

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسفه در دیدگاه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)

زهرا قنذاقی ۱

چکیده

با توجه به فراز و نشیب های فلسفه و دیدگاه های متعارض نسبت به آن، در این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بررسی جایگاه فلسفه در اندیشه مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) پرداخته شده است. هدف اصلی این مقاله، تشریح اهمیت و جایگاه فلسفه در اندیشه ها و دیدگاه های حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی است. حضرت آیت الله خامنه ای علاوه بر آنکه فلسفه ی اسلامی را فقه اکبر و پایه ی تمام علوم می دانند این دانش را نسبت به فلسفه غرب برتری داده و ضمن توصیه به گسترش گفتمان فلسفی و رواج و گسترش آن در سطوح مختلف آموزشی، تاکید می ورزند که این دانش نباید در حد ذهنیات صرف باقی بماند بلکه باید امتداد عملی در همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی داشته باشد.

کلید واژه ها

فلسفه، فلسفه اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

*دانشجوی دانشگاه عالی شهید مطهری / aghigh.2361379@gmail.com - 1

مقدمه

دانش فلسفه یکی از دانش‌هایی است که در تاریخ دانش‌های بشری مورد مناقشه بوده و همواره در طول تاریخ از جمله در جهان اسلام و در میان علمای اسلامی موافقان و مخالفان زیادی داشته است. همچنین در میان علمای اسلامی نیز در زمینه‌ی فلسفه اختلافاتی وجود دارد.

«لفظ فلسفه اصلاً یک واژه یونانی است و مرکب است از دو جزء «فیلو» و «سوفیا» و به معنی دوست داشتن حکمت یا دانش دوستی است.» تعریف ذکر شده تعریف لغوی فلسفه می‌باشد. (صلیبا- صناعی دره بیدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۵۰۳) و «یکی از معانی فلسفه اطلاق آن به استعدادهای عقلی و فکری است که انسان را قادر می‌سازد تا اشیاء را از دیدگاهی بالا و گسترده مورد مطالعه قرار دهد و قادر است حوادث روزگار را با اعتماد و اطمینان و آرامش بپذیرد. فلسفه به این معنی مترادف حکمت است.» (صلیبا- صناعی دره بیدی، ۱۳۶۶ ه.ش، ص ۵۰۳) و فلسفه به معنای اصطلاحی همانطور که صدر المتألهین در جلد اول اسفار بیان می‌کند علم به موجودات از آن جهت که موجود است می‌باشد. (بنیاد پژوهش‌های اسلامی، گروه کلام، ۱۴۱۴ ه. ق، ص ۲۷۰ - صدر المتألهین، ۱۹۸۱ م، ص ۲۸)

«فلسفه‌ی اسلامی به مجموعه‌ای از مسایل اطلاق می‌شود که در باب امور عامه، خداشناسی، معرفت‌شناسی و دین‌شناسی مطرح می‌شوند، که باب امور عامه الهیات بالمعنی الاعم خود شامل مباحثی همچون احوال کلی وجود، وجود مستقل و رابط، وحدت و کثرت و... و باب خداشناسی یا بالمعنی الاخص شامل مباحثی همچون اثبات ذات، توحید و... می‌شود.» (عبودیت، ۱۳۸۲، ص ۲۸)

حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، دومین رهبر جمهوری اسلامی ایران و از مراجع تقلید شیعه هستند و باتوجه به وظایف و اختیارات رهبری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از

جمله در اصل ۱۱۰ که به صراحت، تعیین سیاست های کلی نظام را یکی از وظایف رهبری برشمرده است، نوع نگاه ایشان به دانش فلسفه، تأثیرات ویژه ای در جوامع علمی خواهد داشت و با توجه به مخالفت هایی که در برخی مجامع علمی و حوزوی نسبت به فلسفه وجود داشته و دارد، پرداختن به بررسی فلسفه در اندیشه ی حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) بسیار راه گشا خواهد بود. همچنین با نگاه به بیانات ایشان درباره این علم می توان به دیدگاه ها و اندیشه های معظم له در این عرصه دست یافت.

با توجه به جست و جو های به عمل آمده تنها کتابی که به تشریح دیدگاه های معظم له در خصوص فلسفه پرداخته است کتاب "نردبان معرفت خدا" می باشد.

اگرچه این کتاب در سال ۱۳۹۷ به این مهم به صورت مبسوط پرداخته و مولف محترم موضوع را از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار داده است اما مقاله حاضر بیشتر بر این نکته تأکید ورزیده است که از آن جهت که حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) علاوه بر اینکه در شمار

متفکرین و علمای بزرگ اسلامی محسوب می شوند، ولی به دلیل آنکه در جایگاه ولایت و رهبری نظام اسلامی قرار دارند؛ دیدگاه ها و اندیشه های ایشان در باب یک موضوع می تواند بسیار فراتر از یک عالم اسلامی در ابعاد گوناگون جامعه اثر گذار باشد .

این پژوهش در راستای هدف فوق مطالب را در قالب این عناوین به رشته ی تحریر در آورده است : جایگاه فلسفه، فلسفه اسلامی به عنوان فقه اکبر، اهمیت آموزش فلسفه برای کودکان، نسبت فلسفه با دیگر علوم و معارف، نسبت فلسفه با حوزه ی عمل و کاربرد، توصیه های ایشان در رابطه با فلسفه و همچنین تاثیر نگاه مثبت رهبری به فلسفه و نقش آن در جامعه.

جایگاه فلسفه در دیدگاه و اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)

الف) فلسفه اسلامی به عنوان فقه اکبر

فلسفه ی اسلامی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) جایگاه ویژه ای دارد به این دلیل که ایشان فلسفه اسلامی را فقه اکبر می دانند. فقه اکبر در علوم اسلامی به اصول دین اطلاق می شود (عجم، ۱۹۹۸، م، ص ۱۱۱۳) یعنی جایگاه فلسفه اسلامی در نظر ایشان با علوم ی چون علم توحید و نبوت برابری می کند.

«...فلسفه ی اسلامی.....فقه اکبر است؛ پایه ی دین است؛ مبنای همه ی معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است؛ لذا این باید گسترش و استحکام پیدا کند و بروید و این به کار و تلاش احتیاج دارد.» (آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)

در ادامه مشخص خواهد شد که ایشان به چه میزان به دانش فلسفه و فکر فلسفی اهمیت می دهند:

«...این [نظام] باید اداره بشود با اسلام، با فکر اسلامی. فکر اسلامی در جنبه ی عملی، همان فقه اسلام است؛ البتّه بنده با فلسفه خواندن، نه فقط مخالف نیستم بلکه کاملاً تأیید میکنم، فلسفه هم لازم است؛ حالا چه جوری داخل برنامه های شما بشود، آنها به برنامه ریزی مدیران محترم آنجا بستگی دارد؛ لکن فلسفه خوب است، لازم است، نه اینکه فقط خوب است؛ لازم است؛ در این

تردیدی نیست؛ لکن آنچه زندگی را اداره میکند، عملاً فقه ما است؛...»

(آیت الله خامنه ای، بیانات با اعضای موسسه ی فقه و علوم اسلامی ۱۳/۱۲/۱۳۹۷)

ب) اهمیت آموزش فلسفه برای کودکان

فلسفه در اندیشه و بیانات معظم له دارای چنان اهمیت و جایگاهی است که توصیه می نمایند که فلسفه باید به کودکان متناسب با سنین آن ها آموزش داده شود. لذا در همین راستا می فرمایند:

«یکی از رشته‌های تألیف و کار فلسفی، نوشتن فلسفه برای کودکان است. کتابهای فلسفی متعددی برای کودکان نوشته‌اند و ذهن آنان را از اول با مبانی فلسفی ای که امروز مورد پسند لیبرال دموکراسی است، آشنا می کنند. یقیناً در نظام شوروی سابق و دیگر نظام های مارکسیستی اگر دستگاه فلسفه برای کودکان و جوانان بود، چیزی بود که مثلاً به فلسفه‌ی علمی «مارکس» منتهی شود. ما از این کار غفلت داریم... بنابراین از جمله کارهای بسیار لازم، بسط فلسفه است؛ البته با مبانی مستحکم و ادبیات خوب و جذاب.» (آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)

«... امروز در کشورهای پیشرفته‌ی مادی دنیا، یکی از کارهای اساسی و یک رشته‌ی مهم، تدریس فلسفه برای کودکان است. خیلی‌ها در جامعه‌ی ما اصلاً تصور نمی کنند که برای کودک هم فلسفه لازم است. برخی تصور می کنند فلسفه به معنای یک چیزِ قلمبه سلمبه‌ای است که یک عده‌ای در سنین بالا به آن توجه می کنند؛ این نیست. فلسفه شکل دادن فکر است، یاد دادن فهم کردن است، ذهن را به فهمیدن و تفکر کردن عادت دادن است؛ این از اول باید به وجود بیاید. قالب مهم است. اگرچه محتوا هم در همین فلسفه‌ی کودکان حائز اهمیت است، اما عمده

شیوه است؛ یعنی کودک از اول کودکی عادت کند به فکر کردن، عادت کند به خردورزی؛ این خیلی مهم است...» (آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۰)

نسبت فلسفه با دیگر علوم و معارف در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)

ایشان بر این اعتقادند که فلسفه همواره با علوم دیگر در ارتباط است، لذا در این جا به بیان ارتباط فلسفه با علوم دیگر در اندیشه های ایشان پرداخته می شود.

الف) فلسفه، معارف دینی و عرفانی

چنان چه اشاره خواهد شد از نظر ایشان فلسفه ی اسلامی ارتباط عمیقی با دین و عرفان دارد

و فلسفه باید راهی برای تدبیر و افزایش ارتباط و اتصال انسان به خدا باشد:

«فلسفه ی اسلامی، پایه و دستگاهی بوده که انسان را به دین، خدا و معرفت دینی نزدیک می کرده است. فلسفه برای نزدیک شدن به خدا و پیدا کردن یک معرفت درست از حقایق عالم وجود است؛ لذا بهترین فلاسفه ی ما - مثل ابن سینا و ملا صدرا - عارف هم بوده اند. اصلاً آمیزش عرفان با فلسفه در فلسفه ی جدید - یعنی فلسفه ی ملا صدرا - به خاطر این است که فلسفه وسیله و نردبانی است که انسان را به معرفت الهی و خدا می رساند؛ پالایش می کند و در انسان اخلاق به وجود می آورد. ما نباید بگذاریم فلسفه به یک سلسله ذهنیات مجرد از معنویت و خدا و عرفان تبدیل شود. راهش هم تقویت فلسفه ی ملا صدرا است؛ یعنی راهی که ملا صدرا آمده، راه درستی است. آن فلسفه است که انسان را وادار می کند هفت سفر پیاده به حج برود و به همه ی زخارف دنیوی بی اعتنایی کند. البته نمی خواهیم بگوییم هرکس در این دستگاه فلسفی قرار نداشته باشد، اهل دنیا است؛ نه، اما این راه خوبی است. راه فلسفه باید راه تدبیر و افزایش ارتباط و اتصال انسان به خدا باشد؛ این را باید در آموزش فلسفه، در تدوین کتاب فلسفی، در درس فلسفی و در انجمن فلسفه - همین که به آن اشاره شد - رعایت کرد. اهل فلسفه ای که ما قبلاً دیده بودیم، همه همین طور بودند؛ کسانی بودند که از لحاظ معنوی و الهی و ارتباطات قلبی

و روحی با خداوند، از بقیه‌ی افرادی که در زمینه‌های علمی حوزه کار می‌کردند، بهتر و زبده‌تر و شفافتر بودند...» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)

(ب) فلسفه و کلام

همواره در نظرات متکلمین و فلاسفه اختلافاتی وجود دارد که باعث تفاوت و جدایی فلسفه و کلام می‌شود، در اینجا ایشان به بیان عدم جدایی این دو علم می‌پردازند:

«به نظر من بین فلسفه و کلام هم نباید دعوا قائل شد. مهمترین کتاب کلامی ما را یک فیلسوف - یعنی خواجه‌نصیر - نوشته؛ اما در واقع فلسفه است. ما باید این‌ها را به همدیگر نزدیک کنیم؛ هیچ مانعی ندارد. فلسفه و کلام و عرفان وجوه تفارقی دارند، وجوه اشتراکی هم دارند؛ ما باید اینها را به عنوان علوم عقلی - همین تعبیری که آقایان داشتند و کاملاً تعبیر خوبی است - یا به یک معنا حکمت، که شامل همه‌ی این‌ها بشود، مورد توجه قرار دهیم و دنبال کنیم.»

(آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)

(ج) فلسفه، علوم تجربی و فناوری

در اندیشه‌ی ایشان فلسفه مقدم و پایه‌ی علوم تجربی و فناوری است، چنانکه در بیان ذیل مشاهده می‌شود:

«ما احتیاج داریم به فکر، احتیاج داریم به فلسفه، تا بتوانیم علم را، فناوری را، مدیریت کشور را، مسائل گوناگون جامعه را به پیش ببریم و حل کنیم. فکر قبل از علم مورد نیاز است...»

(آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۹۰/۶/۲)

«..پایه‌ی علم بر فلسفه است؛ فلسفه نباشد، علم وجود ندارد. اگر استنتاج فلسفی نباشد، اصلاً علم میشود بی معنا. تولید فکر خیلی مهم است. البته تولید فکر از تولید علم دشوارتر است...»

(آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۹/۶/۱۴)

نسبت فلسفه با حوزه ی عمل و کاربرد

از نظر ایشان فلسفه ی اسلامی از فلسفه های غربی قوی تر و ریشه دارتر و دارای استحکام

بیشتر است و تاکید بسیاری بر امتداد سیاسی و اجتماعی آن دارند و اشاره می کنند که نقص فلسفه ی اسلامی ذهنی بودن آن نیست بلکه نقص فلسفه در آن جایی است که فلسفه وارد حیطه ی عمل و کاربرد نشده است و همچنین بیان می کنند که فلسفه های مضاف می تواند همان امتداد حکمت باشد:

«در فلسفه و علوم عقلی بایستی حرکت خودمان را سرعت بدهیم. و خوشبختانه در جوامع شیعی و بخصوص در ایران علوم عقلی رشد بسیار خوبی داشته است؛ از گذشته هم همین جور بوده؛ دانشمندان و متفکرین عقلی بزرگی در کشور ما و در مجموعه ی علوم اسلامی وجود داشته اند و حضور پیدا کرده اند که آثارشان هم هست. در این زمینه باید در علوم عقلی پیش برویم. غربی ها با امتداد فلسفه های خودشان، مسائل سیاسی، مسائل حکومتی، مسائل اجتماعی را حل کرده اند. من دیروز در نمایشگاه کتاب کتاب هایی را دیدم که غربی ها نوشته اند، [در] تأثیر فلسفه در فوتبال؛ یعنی امتداد فلسفه حتی به فوتبال! ببینید این امتداد دادن مسائل فکری خودشان به تمام عرصه های زندگی و میدان های زندگی [است]؛ ما این کار را بایستی انجام بدهیم.

ما از لحاظ فلسفه قوی هستیم؛ فلسفه ی اسلامی از فلسفه ی غربی، قوی تر و ریشه دارتر و دارای استحکام بیشتر است، ولی بایستی امتداد آن در زندگی، محسوس باشد؛ قضاوت فلسفه ی ما در مورد حکومت، در مورد مسائل اجتماعی، در مورد اقتصاد، در مورد عموم مسائل تمدن ساز بایستی معلوم باشد، روشن باشد؛ این ها کارهایی است که باید انجام بگیرد. اینها در زمینه ی علوم خاص اسلامی است، در زمینه ی علوم طبیعی هم همین جور است. «آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار شرکت کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» (۱۳۹۷/۲/۲۲)

"دو سه نکته در خصوص آموزش فلسفه و پژوهش فلسفی عرض می کنم، که خوشبختانه دیدم در ذهن بعضی دوستان هم هست. یکی مسأله‌ی امتداد سیاسی - اجتماعی فلسفه است که من مکرراً به دوستان گفته‌ام و الان هم در تأیید فرمایش بعضی از آقایان عرض می کنم؛ منتها نه با تعبیر رنسانس فلسفی؛ نباید به این معنا مطرح شود. ما به رنسانس فلسفی یا واژگون کردن اساس فلسفه‌مان احتیاج نداریم. نقص فلسفه‌ی ما این نیست که ذهنی است - فلسفه طبعاً با ذهن و عقل سروکار دارد - نقص فلسفه‌ی ما این است که این ذهنیّت امتداد سیاسی و اجتماعی ندارد. فلسفه‌های غربی برای همه‌ی مسائل زندگی مردم، کم و بیش تکلیفی معین میکند: سیستم اجتماعی را معین می کند، سیستم سیاسی را معین می کند، وضع حکومت را معین می کند، کیفیت تعامل مردم با همدیگر را معین می کند؛ اما فلسفه‌ی ما به‌طور کلی در زمینه‌ی ذهنیّات مجرد باقی می ماند و امتداد پیدا نمی کند. شما بیایید این امتداد را تأمین کنید، و این ممکن است؛ کما این که خود توحید یک مبنای فلسفی و یک اندیشه است؛ اما شما ببینید این توحید

یک امتداد اجتماعی و سیاسی دارد. «لااله الا الله» فقط در تصوّرات و فروض فلسفی و عقلی منحصر و زندانی نمی ماند؛ وارد جامعه میشود و تکلیف حاکم را معین می کند، تکلیف محکوم را معین می کند، تکلیف مردم را معین میکند. می توان در مبانی موجود فلسفی ما نقاط مهمی را پیدا کرد که اگر گسترش داده شود و تعمیق گردد، جریان های بسیار فیاضی را در خارج از محیط ذهنیّت به وجود می آورد و تکلیف جامعه و حکومت و اقتصاد را معین میکند. دنبال اینها بگردید، این نقاط را مشخص و رویشان کار کنید؛ آن گاه یک دستگاه فلسفی درست کنید. از وحدت وجود، از «بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء»، از مبانی ملاً صدرا، اگر نگوییم از همه‌ی این ها، از بسیاری از این ها - می شود یک دستگاه فلسفی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی درست کرد.»

(آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی ۱۳۸۲/۱۰/۲۹)

«...علت هم این است که فلسفه‌ی اسلامی در طول زمان امتداد عملی نداشته؛ یعنی این حکمت نظری ما به حکمت عملی امتداد پیدا نکرده؛ در حالی که فلسفه‌های غربی که از لحاظ نفس فلسفه بودن خیلی کم محتواتر و ضعیف‌تر از فلسفه‌ی اسلامی هستند، امتداد عملیاتی دارند؛ یعنی اگر چنانچه شماها مثلاً فرض کنید که فلسفه‌ی کانت یا هگل یا مارکس را معتقد باشید، در مورد حکومت نظر دارید، در مورد فرد نظر دارید، در مورد ارتباطات اجتماعی نظر دارید؛ اما [اینکه] اقتضای فلسفه‌ی مآصدرا یا فلسفه‌ی فرض بفرمایید که ابن‌سینا یا دیگری در حکومت یا در فلان [مسئله] چیست، چیزی برای ما روشن نشده؛ نه اینکه ندارد، قطعاً دارد؛ سفارش من به متفلسفین و فعالان فلسفه همیشه این بوده که این امتداد را پیدا کنند؛ چون معتقدم اثر دارد؛ این امتداد وجود دارد اما خوب روی آن کار نشده؛...» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات در با اعضای موسسه فقه و علوم اسلامی ۱۳۹۷/۱۲/۱۳)

«...فلسفه‌های مضاف - مثل فلسفه‌ی علوم انسانی، فلسفه‌ی روان‌شناسی - خوب و لازم است؛ اینها همان چیزهایی است که امتداد حکمت ما محسوب میشود؛ منتها تکیه‌ی اساسی را باید بگذارید روی مسائل کلان جامعه‌ی اسلامی؛ مثل حکومت. ما وقتی به فلسفه‌های غرب نگاه می‌کنیم، می‌بینیم مسائلی مثل حکومت، اقتصاد، شأن مردم، شأن انسان، طبق نظرات آن‌ها، حل می‌شود. این‌ها مسائل بنیادی شاخه‌های اصلی زندگی و جامعه است؛ این‌ها باید در فلسفه پاسخ پیدا کند.» (آیت الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی ۱۳۹۱ / ۱۱ / ۲۳)

توصیه‌های آیت الله خامنه‌ای در رابطه با فلسفه

ایشان در بخشی از سخنان خود توصیه‌هایی در خصوص آموزش و گسترش فلسفه در جامعه دارند از جمله در عبارت زیر که می‌فرمایند :

«...چشم‌انداز بلند مدت - حالا چه فرض کنیم که این بلند مدت، به قول شما پنجاه سال است، یا سی سال است، یا بیست سال است - باید گسترش‌گفتمان فلسفه‌ی اسلامی در دنیا باشد؛ این را هدف قرار دهید...» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی ۱۳۹۱/۱۱/۲۳)

«... باید هدف را این قرار بدهیم که تفکر فلسفه‌ی اسلامی - حالا با همان مشخصاتی که دارد؛ که خود این، جای بحث و گفتگو دارد که فلسفه‌ی اسلامی چیست - در دنیا به عنوان گفتمان فلسفی شناخته شود، در دانشگاه‌ها رواج پیدا کند، متفکرین عالم از آن‌ها مطلع باشند، روی آن‌ها بحث کنند، نقد و انتقاد کنند، در مجلات علمی‌شان منعکس شود. خوب، این کار طبعاً متوقف به این است که شما کارهای بین‌المللی داشته باشید؛ که حالا یکی از آقایان گفتند که ما این قضیه را نداریم. به نظر من ارتباطات بین‌المللی شما با مجامع علمی باید زیاد باشد. ...»

(آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی ۱۳۹۱/۱۱/۲۳).

«...ما در مورد کتاب واقعاً مشکل داریم. حالا مثلاً آقایان فرمودند که ما می‌خواهیم فلسفه‌ی مشاء یا فلسفه‌ی اشراق را برای طلبه‌ها تبیین کنیم. طلبه‌های ما از فلسفه‌ی مشاء خبری ندارند. خوب، چگونه تبیین می‌کنید؟ حتماً «شرح اشارات» بخوانیم؟ یا فرض کنید که «شفاء» بخوانیم؟ باید حتماً این متن طولانی مفصل محتاج به تبیین‌کنان ی‌کون را خواند؟ راهش این است؟ یا نه، راه دیگری هم وجود دارد. امروز خواندن تفکرات مثلاً فرض کنید مارکسیستی حتماً متوقف به این نیست که انسان بردارد کتاب «سرمایه» را تدریس کند، یا بردارد متن کتاب‌های کانت یا هگل را بخواند. چه لزومی دارد که حتماً متن مطرح شود؟ متن باید در اختیار باشد؛ هر کس می‌خواهد، مراجعه کند. من قبلاً در جمع آقایان راجع به فلسفه‌ی ملاصدرا مطالبی گفتم و خوب، یکی دو تا کار خوب شد. جناب آقای مصباح هم یکی از کتاب‌هایی را که یکی از آقایان نوشتند - آقای عبودیت - که خلاصه‌ی آراء ملاصدرا در مسائل گوناگون فلسفی است، برای من آوردند. این‌ها خوب است، اما کم است. به یک کتاب اکتفاء نشود؛ از نگاه‌های مختلف نوشته شود. در خود

فلسفه‌ی ملاصدرا، در بخش‌های مختلف می‌تواند یک منظومه‌سازی‌هائی بشود. عین همین قضیه، در مورد فلسفه‌ی اشراق است؛ عین همین قضیه، در مورد فلسفه‌ی مشاء است. ما باید منظومه‌سازی کنیم. بالاخره مجموعه‌ی تفکرات فلسفی و عرفانی ابن‌سینا با همدیگر همراه است، غیر قابل انفکاک است. این‌ها چیست؟ کسی بخواهد اینها را بداند، حتماً لازم نباشد که برود بنشیند مثلاً «شفاء» را بخواند؛ این خیلی لازم نیست. گاهی اوقات خواندن کتابی که در هزار سال پیش نوشته شده است، با ادبیات آن روز، با مشکلاتی که فهم این کلمات دارد، اصلاً خودش تضييع وقت محسوب می‌شود؛ ممکن است افرادی را از فلسفه دور کند؛ در حالی که اگر شما بنشینید مثلاً یک کتابی درباره‌ی آراء فلسفی ابن‌سینا تبیین کنید، از آراء او منظومه‌سازی کنید، این مسلماً جاذبه‌ی زیادی خواهد داشت. این جزو کارهای لازم است...» (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی ۲ / ۱۱ / ۱۳۹۱)

تأثیر نگاه مثبت رهبری نسبت به فلسفه و نقش آن در جامعه

با توجه به این نکته که همواره یک جامعه نیازمند راهبری از جمله هدایت‌های فرهنگی و علمی است نقش رهبر و حاکم جامعه در اموری چون امور علمی بسیار تأثیر گذار است. با تعمق و بررسی ادوار مختلف تاریخی این امر محرض می‌شود که هر آنچه که حاکم و رهبر یک جامعه به آن التفات و تمایل داشته باشد به طور معمول در آن جامعه گسترش می‌یابد و هر آنچه که مورد مخالفت و عدم تمایل حاکم و رهبر جامعه باشد توجه به آن کم شده و باعث عدم گسترش آن امر خواهد شد. به طور مثال می‌توان از دوران پادشاهی محمد رضا شاه یادکرد که دنیای غرب در نگاه آن بسیار جایگاه ارزشمند و رفیعی داشت و به دنبال این نگاه به غرب و جوامع غربی، غربگرایی در جامعه‌ی آن روز در بسیاری از امور نفوذ و گسترش یافت اما بر خلاف آن در زمان رهبری حضرت امام خمینی (ره) توجه به غرب بسیار کاهش یافت و استقلال‌گرایی در جامعه بروز و نفوذ بسیاری پیدا کرد. بر همین اساس نگاه معظم له به فلسفه در گسترش آن

در عرصه های علمی و آموزشی بسیار تاثیرگذار است، همانطور که ایشان به امر حفظ، تلاوت و تفسیر قرآن توجه خاصی دارند و موجب شده است که در سه دهه ی اخیر به طرز بسیار چشمگیری در بین آحاد مردم از جمله نوجوانان و جوانان گسترش یابد؛ به گونه ای که امروز صد ها هزار حافظ قرآن تربیت شده است.

چنانچه که بیان شد ایشان نظر و دیدگاه مثبتی به فلسفه دارند و معتقدند که فلسفه در تمام امور زندگی و علوم مختلف تاثیر گذار است به حدی که باید از کودکی به آن پرداخته شود. این نگاه مثبت به دانش فلسفه موجب گسترش علوم عقلی و فکری در جامعه می شود. از تاثیرات این تفکر می توان درباره ی حوزه های علمیه سخن گفت که در آن ها بسیاری از علما به مخالفت با فلسفه پرداختند و فلسفه در حوزه های علمیه رواج چندانی نداشت اما با التفات و توجه حضرت امام (ره) و ایشان به دانش فلسفه، امروزه در حوزه های علمیه بیش از گذشته به فلسفه پرداخته می شود و حتی ایشان تاکید دارند بر برپایی مدارس با محوریت فلسفه (ر.ک، آیت الله خامنه ای، بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی حکمت اسلامی ۱۳۹۱/۱۱/۲۳) و این امور خودش باعث ترویج و گسترش فلسفه می شود.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب فوق می توان چنین نتیجه گیری کرد:

۱- فلسفه ی اسلامی در اندیشه ی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی)

فقه اکبر، پایه ی دین و مبنای همه ی معارف دینی در ذهن و عمل خارجی انسان است.

۲- یکی از کارهای بسیار لازم بسط فلسفه حتی تالیف فلسفه برای کودکان متناسب با سنین

آن ها است تا از همان اوایل، فرد به فکر کردن و خردورزی عادت کند.

- ۳- فلسفه ی اسلامی پایه و نردبانی است که انسان را به دین، معرفت الهی و خدا می رساند و لذا نباید صرفاً به یک سلسله ذهنیات مجرد از معنویت، خدا و عرفان تبدیل شود و نباید فلسفه از دین، کلام و عرفان جدا شود بلکه بایستی به یکدیگر نزدیک تر شوند.
- ۴- پایه ی علوم بر فلسفه است زیرا فکر قبل از علم مورد نیاز است.
- ۵- اگرچه فلسفه ی اسلامی قوی تر و ریشه دار تر از فلسفه های غربی است اما باید در تمام عرصه های زندگی امتداد عملی، سیاسی و اجتماعی داشته باشد.
- ۶- چشم انداز بلند مدت باید گسترش گفتمان فلسفه ی اسلامی در دانشگاه ها و دنیا باشد.
- ۷- یکی از راه های تدریس فلسفه از طریق منظومه سازی های تفکرات فلسفی، عرفانی و... اندیشمندان، فلاسفه و عرفای بزرگ است و نباید حتماً متون اصلی آن ها تدریس شود.
- ۸- با توجه به نفوذ و تاثیرگذاری رهبری در جامعه، نگاه مثبت ایشان به فلسفه موجب می شود که فلسفه و آموزش آن در سطوح مختلف رواج و گسترش یابد و این گونه تاثیرگذاری بسیار فراتر از نگاه مثبتی است که دیگر علما و بزرگان دارند.

فهرست منابع:

۱. "آیا فلسفه اسلامی داریم؟"، معرفت فلسفی، سال اول، شماره اول، صفحه ۴۲-۲۷.
۲. بنیاد پژوهشهای اسلامی، گروه کلام، شرح المصطلحات الفلسفیه، ۱ جلد، ایران-مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۳. صدر المتألهین، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ۹ جلد، جلد ۱، بیروت، دار احیاء التراث.
۴. صلیبا، جمیل - صانعی دره بیدی، منوچهر (۱۳۶۶)، فرهنگ فلسفی، ۱ جلد، تهران، انتشارات حکمت
۵. عجم، رفیق، موسوعه مصطلحات أصول الفقه عند المسلمین، ۲ جلد، جلد ۲، لبنان-بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
۶. <https://farsi.khamenei.ir>